

بیانات در اجتماع مردم شیروان - 24 / مهر / 1391

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهديّین المعصومین المکرّمین سیّما بقیّة الله فی الأرضین.

خداوند متعال را سپاسگزارم که به این بنده‌ی حقیر توفیق عنایت کرد که با شما مردم باایمان و عزیز و خونگرم شیروان بتوانم در این جمع پرشور و صمیمی ملاقات کنم. خاطره‌ی ما از شهر شما، از مردم شما، خاطره‌ی خوبی است. در دوران امتحانهای دشوار و بزرگ، شهر شیروان از جمله‌ی مناطقی است که امتحان خوبی داده است و نام یکی از خود به یادگار گذاشته است. علاوه بر صدها شهید و جانباز که در دوران دفاع مقدس، مردم عزیز شیروان و حومه‌ی آن تقدیم کردند، نام هفت سردار در میان شهیدان این دیار وجود دارد. تربیت سرداران و فرستادن آنها برای مدیریت صحنه‌های دشوار و سپس شهادت آنها، حوادثی نیست که در گذر تاریخ بشود آنها را فراموش کرد. امروز هم چند هزار بسیجی در این شهر حضور دارند، هیئت‌های مذهبی فعال در این شهرستان حضور دارند، نخبگان فرهنگی و ورزشی در این شهر حضور دارند. اینها نشان‌دهنده و تنظیم‌کننده‌ی شناسنامه‌ی هر منطقه‌ای از مناطق کشور است. جوانهای عزیز ما - چه در این شهرستان، و چه در سایر شهرستانهای این استان - باید به خاطر موفقیتها به خود بیالند و خود را برای کارهای بزرگ در آینده آماده کنند.

یکی از برجستگی‌های این شهر و این استان - که در شهرستان شیروان این برجستگی کاملاً محسوس است - همزیستی اقوام مختلف با یکدیگر است؛ از کرد و ترک و فارس و تات، در کنار هم، برادرانه و مسلمانانه زندگی میکنند. ان شاءالله جوانهای شما، از زن و مرد، بتوانند در آینده‌ی کشور عزیزشان و برای سربلندی انقلابشان، چهره‌های درخشان دیگر و بیشتری را تحویل این جامعه بدهند؛ و این امیدی است که دور از دسترس نیست.

آنچه که من مایلم به شما برادران و خواهران عزیز شیروانی عرض کنم، این است که تلاش ملت عزیز ما و هوشمندی و آگاهی و بصیرت مردم عزیز ما در این استان و در سرتاسر کشور، موجب شده است که کشور ما از یک ثبات سیاسی مستمری برخوردار باشد؛ این نعمت بزرگی است. قدرتمندان زورگو و تجاوزگر، یکی از سلاح‌هایشان این است که در کشورهایی بی‌ثباتی ایجاد کنند، که نمونه‌ی آن را شما مشاهده میکنید؛ هم در منطقه‌ی خودمان، و هم در مناطق دیگر این دنیای بزرگ. می‌بینید که قدرتمندان هر جا توانسته‌اند، هر جا در کشوری طمع‌ی ورزیده‌اند، برای اینکه سلطه‌ی خود را در آن کشورها و در آن مناطق مستقر کنند، بین مردم آن کشور یا مردم آن کشور با کشور همسایه، بی‌ثباتی ایجاد کردند؛ ایجاد اختلاف کردند، ایجاد درگیری کردند، تا بی‌ثباتی در نظامها به وجود بیاید؛ از این بی‌ثباتی، کارخانجات اسلحه‌سازی استفاده کنند، کارتلها و تراستها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی حاکم بر دستگاه سیاسی غرب استفاده کنند. امروز یکی از سیاستهای دستگاه‌های استکبار، ایجاد بی‌ثباتی است. آن وقت در یک چنین شرائطی، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان شما مردم، به برکت بصیرتی که به فضل الهی در ملت ما وجود دارد، توانسته است به کوری چشم دشمنان، یک کشور با ثبات و استقرار به وجود بیاورد.

خود آحاد ملت پشتوانه‌ی این ثبات و استقراری هستند که در کشور وجود دارد؛ و البته متقابلاً بیشترین فایده‌ی این ثبات و استقراری که در نظام سیاسی کشور هست، متوجه و عاید خود مردم است. یک ملت اگر امنیت داشته باشند، ثبات سیاسی داشته باشند، از آرامش دستگاه‌های حاکمیت نظام برخوردار باشند، آن ملت فرصت پیدا خواهند کرد که در میدانهای گوناگون، به مسابقه‌ی بزرگ بشری وارد شوند و پیشتاز باشند. امنیت و آرامش برای یک کشور، جزو مهمترین خواسته‌ها و مفیدترین عواید یک ملت است.

در قرآن کریم، خدای متعال در سوره‌ی فتح - که فتح مسلمانان را برای پیغمبر و برای مردم، به صورت یک نعمت بزرگ معرفی میکند - میفرماید: «فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التّقوی و كانوا احقّ بها و اهلها»؛ (1) به عنوان یک نعمت بزرگ، نزول سکینه‌ی الهی را بر جامعه‌ی اسلامی ذکر میکند. سکینه یعنی

آرامش، یعنی اطمینان، یعنی آن طمأنینه‌ای که وجود دارد. يك وقت در میان يك ملتى تلاطم هست، آرامش وجود ندارد؛ همه نسبت به هم بدبین، همه نسبت به یکدیگر ستیزه‌گر؛ دستگاه‌های حاکم در مقابل مردم، مردم در مقابل دستگاه‌های حاکم؛ يك چنین کشوری که دارای امنیت نباشد، نمیتواند نه در علم، نه در اقتصاد، نه در صنعت، نه در عزت ملی، خودش را به پیش و به جلو بکشد؛ اما وقتى استقرار و امنیت و آرامش در يك کشور بود، ملت فرصت پیدا میکند که آمادگی‌های خود را، استعدادهای خود را بروز دهد؛ همچنان که شما می‌بینید علی‌رغم تهدیدهای دشمنان، تحریمهای دشمنان، خباثتهای دشمنان، ملت ایران و جوانان عزیز ما توانسته‌اند در میدانهای گوناگون، خود را نشان دهند؛ عظمت خود را، استعداد خود را، آمادگی خود را در زمینه‌های مختلف به رخ دنیا بکشند؛ این به برکت ثبات است.

دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند. بعد از آن سعی کردند با تهاجم يك همسایه‌ی دیوانه - صدام به معنای واقعی کلمه، يك انسان وحشی و دیوانه و افسارگسیخته و خطرناک بود - امنیت کشور را به هم بریزند؛ از داخل هم گروهکها کمکش کردند؛ همان گروهکهای که بعد هم به دامان خود او پناه بردند. دیدید آنچه که آنها خواستند، صد و هشتاد درجه برخلاف میل آنها تمام شد. جنگ تحمیلی، حمله‌ی دشمن، نه فقط ثبات و استقرار کشور را به هم نزد، بلکه اتحاد ملت را بیشتر کرد.

شما ببینید در همین مناطق شما، در منطقه‌ی شمال خراسان، که امروز استان خراسان شمالی است، با فاصله‌ی فراوانی که با میدان جنگ دارد - منطقه‌ی جنوب و منطقه‌ی شمال غربی کشور کجا؟ استان خراسان شمالی و شیروان و بجنورد کجا؟ - اما همین مردم در عرصه‌ی مقابله‌ی با دشمن، با هم متحد شدند؛ دیگر مسئله‌ی ترك و فارس و کرد و کرمانژ و ترکمن و بقیه‌ی قومیتها مطرح نبود، مسئله‌ی شیعه و سنی مطرح نبود؛ همه با هم متحد شدند، در مقابل دشمن ایستادند؛ جوانهاشان را دادند، مردها رفتند. از يك خانواده گاهی چهار جوان به میدان جنگ میرفتند. پدر این چهار جوان میگفت یکی‌تان بمانید، خانه را اداره کنید تا من به میدان جنگ بروم. این مسابقه‌ی در جانفشانی را دیگر در کجا میشود سراغ کرد؟

دشمن میخواست کشور را متلاطم کند، میخواست آرامش و ثبات و استقرار را از ملت ایران بگیرد؛ درست بعکس، خدای متعال در مقابل کید دشمنان آنچه‌ان تقدیری کرد که «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین». (2) ملت به برکت دفاع مقدس، از آنجائی که بود، جلوتر رفت؛ آمادگی‌اش بیشتر شد. این توطئه‌ی دشمنان مستکبر و گرگهای آدمیخوار هم در مقابل ملت ایران اثری نکرد.

بعد سعی کردند این ثبات را از داخل به هم بریزند. من فقط اشاره کنم؛ نمیخواهم وارد تفصیل شوم. هم در سال 78، هم در سال 88 - با فاصله‌ی ده سال - نقشه و توطئه‌ی دشمن يك جور بود. در هر دو مورد سعی‌شان این بود که بتوانند ثبات سیاسی را در کشور به هم بزنند؛ سعی‌شان این بود که تلاطم ایجاد کنند؛ این آرامش عمومی را، این ثبات را از این ملت بگیرند.

این ثبات و آرامش را باید قدر بدانیم. ملت قدر میدانند. من که به شما عرض میکنم، در واقع خطابم به کسانی است که میخواهند قدرشناسی کنند در مقابل این ثباتی که وجود دارد؛ آن کسانی که با حرکات خود، با اعمال نادرست خود، با کج‌تابی‌های خود سعی میکنند این ثبات و آرامش را، این استقرار را، این طمأنینه و ثبات را در کشور به هم بزنند. البته مسئولین کشور، با تدبیر، حواسشان هست؛ من هم تأکید میکنم؛ هم به مسئولین قوه‌ی مجریه، هم به مسئولین قوه‌ی مقننه، هم به مسئولین قوه‌ی قضائیه، که مراقب باشند بدخواهان و دشمنان با توطئه‌ی خود نتوانند این آرامشی را که در سطح کشور وجود دارد - که نشانه‌ی بزرگترین اقتدار این ملت است، که میتواند همه‌ی خیرات را به طرف آنها جلب کند - به هم بزنند.

ما در چند ماه بعد از این، مسئله‌ی انتخابات را داریم. تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه‌ی مسئولین این باشد که آرامش سیاسی کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سیاسی کشور، جنجالی و متلاطم شود؛

این جزو چیزهائی است که هوشمندی مسئولان کشور ان شاءالله باید بتواند این را تحقق ببخشد. البته مردم واقعاً هوشیار و بصیرند. انسان چه بگوید در قبال این هوشیاری و بصیرت مردم؟ عامه‌ی مردم همیشه به مصالح کشور با نظر درستی نگاه کرده‌اند؛ این تجربه‌ی ماست. در طول این سه دهه، هر جا مسئولیتی متوجه مردم بوده است، به بهترین وجه آن را انجام داده‌اند. دشمنان خواستند مردم را از میدانهای لازم الحضور خودشان دور کنند، نتوانستند؛ خواستند مردم را دچار تشتت آراء کنند، اختلاف کنند، که گریبان یکدیگر را بگیرند، از مصالح کشور و پیشرفت کشور غافل شوند، نتوانستند. مردم از خودشان بصیرت نشان دادند. حقاً و انصافاً بصیرت مردم مثال زدنی است؛ این هم کار خداست. دلها دست خداست، اراده‌ها مقهور اراده‌ی الهی است. مردم مؤمنند، متوجه به حقایقند؛ سفارش ما بیشتر به مسئولین است، به سیاستمداران است، به مدیران گوناگون است؛ مراقب باشند دشمن نتواند این آرامش و استقرار و طمأنینه‌ای را که به فضل الهی در کشور وجود دارد و دشمن سعی کرده این را به هم بزند و نتوانسته، به هم بزند؛ سعی کنند این آرامش و استقرار را حفظ کنند؛ نگذارند تلاطم به وجود بیاید. گاهی يك حرف، گاهی يك عمل نسنجیده، گاهی يك اقدام نابجا، موجب تلاطم در محیط سیاسی میشود؛ باید خیلی مراقب باشند.

البته این مردم عزیز واقعاً استحقاق دارند که مسئولین همه‌ی وقت خود را، همه‌ی تلاش خود را صرف پیشرفت کارهای اینها بکنند. من نگاه میکنم به مسائل استان خراسان شمالی - همین مسائل بجنورد و شیروان و اسفراین و بقیه‌ی شهرستانها و بخشهای این استان - می‌بینم کارهای زیادی وجود دارد؛ اینها برعهده‌ی مسئولین است. چه نمایندگان قوه‌ی مقننه، و چه نمایندگان در قوه‌ی مجریه، همه موظفند برای مردم کار کنند، خدمت کنند. در همین شهرستان شیروان هم کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد.

البته من به شما مردم عرض بکنم، به مسئولینت اطمینان داشته باشید. مسئولین میخواهند اقدام کنند، میخواهند تلاش کنند. نیتها خوب است. امروز قصد خدمت به مردم وجود دارد؛ البته گاهی اوقات سلیقه‌ها درست نیست، گاهی اوقات امکانات کامل نیست. باید همه تلاش کنند و دست به دست هم بدهند و آنچه از مشکلات وجود دارد، چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، اینها را برطرف کنند.

در این شهرستان هم مثل بقیه‌ی شهرستانهای این استان و مثل بعضی از استانهای دیگر کشور، مشکل اساسی و مهم، بیکاری است؛ که باید ان شاءالله در زمینه‌ی ایجاد اشتغال تلاش کنند. یکی هم مسئله‌ی اعتیاد جوانان در این استان و در این بخش است. من در این سفر هشدار دادم و از خود جوانان خواستم؛ گفتم جوانان عزیز! ما شما را پرشور و بااراده و بااستقامت میدانیم و می‌بینیم. واقعیت همین است. جوانان این استان هم از لحاظ سطح فرهنگی، از لحاظ فهم و خردورزی، جزو پیشروانند. انسان می‌بیند جوانهای پیشروئی در این استان هستند. خود این جوانهای شجاع و پیشرو باید در مقابله و مبارزه‌ی با خطر مهلك اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر هم پیشرو باشند؛ خودشان بایستی مقاومت کنند، خودشان بایستی مبارزه کنند. این يك مبارزه‌ای است که مشترکاً و توأم بر دوش مسئولان و بر دوش خود مردم است. بنده به جوانها خیلی خوشبین هستم. عقیده‌ام این است که جوانان عزیز ما اراده کنند، میتوانند با خطرات بزرگ، از جمله خطر مواد مخدر در این استان، مقابله و مبارزه کنند.

مردم در همه جای کشور بحمدالله سرحال و بانشاطند؛ این را دشمنان ما ببینند و بدانند. آنهایی که میخواهند با تحریم، مردم را افسرده و سربه‌زیر کنند، مردم را خسته کنند، ببینند این حرکت مردم را، این اجتماعات عظیم را، این حرکت خودجوش و پرشور مردم این استان را - مثل بقیه‌ی استانهای دیگر - ببینند که مردم چقدر در صحنه حضور دارند و اراده‌ی آنها برای دفاع از نظام چقدر مستحکم است. اینها همه‌اش عبرت‌آموز است. هی میگویند مردم ایران. ظاهراً آن کسانی که نام مردم ایران را می‌آورند - از سردمداران آمریکا و غیر آمریکا - شماها را مردم ایران نمیدانند! مردم ایران از نظر آنها يك موجود موهوم و تصور موهومی است که درباره‌ی آنها حرف میزنند: مردم ایران با نظام مخالفند، مردم ایران با اسلام مخالفند. مردم ایران اینهایی‌اند که شما دیدید در این صحنه‌های عظیم چه کردند. در این چند روز، مردم بجنورد و اسفراین و شیروان و سایر مناطق این استان، به همه‌ی مردم دنیا حماسه نشان دادند. البته سعی میکنند در خبرگزاری‌هاشان، در وسائل اطلاع‌رسانی‌شان خبرها را کمرنگ کنند، حضور مردم را نشان

ندهند؛ اما واقعیت را خودشان میفهمند و می بینند.

آنچه که ما به مسئولان محترم کشور در زمینه مسائل اقتصادی - که مسائل اساسی است و دشمن هم بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است - سفارش میکنیم، این است که در پیشرفت اقتصاد، این سه عنصر را مورد توجه قرار دهند: اولاً در امر اقتصاد، مثل همه مسائل دیگر، باید با نگاه علمی به مسائل نگاه کرد. ثانیاً يك برنامه ریزی مدبرانه لازم است، که هم در آن شتابزدگی نباشد، هم در آن کندی و کوتاهی نباشد. در همه امور اینجور است، در مسائل حساس اقتصاد هم اینجور است. ثالثاً ثبات و استمرار سیاستها لازم است. اگر ان شاء الله مسئولان این سه عنصر را در پیشرفت اقتصادی کشور در نظر بگیرند، که البته مورد توجه است - مسئولان، هم از لحاظ علمی در میان آنها برجستگی هستند؛ هم از لحاظ دلسوزی، اهل دلسوزی اند، اهل تدبیرند - به توفیق الهی، به حول و قوه الهی، دشمنان ما همچنان که در بخشهای دیگر نتوانستند کاری بکنند، در مقابله اقتصادی با این ملت هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

بحمدالله با لطف الهی، مردم ایران سرزنده و سرحال و بانشاط و در صحنه اند؛ حضور آنها يك حضور همراه با بصیرت و توأم با عزم و اراده ای راسخ است. دشمنان سعی میکنند مردم ایران را خسته و ملول و نومید نشان دهند. مردم با حرکات خودشان دارند نشان میدهند که دشمن دروغ میگوید؛ دشمن مغرضانه قضاوت میکند. البته متأسفانه بعضی از تربیون دارهای داخل هم بر طبق میل دشمن - نمیگوئیم عمداً؛ غفلتاً - حرف میزنند. بعضیها خودشان خسته شده اند، میگویند مردم خسته اند! مردم خسته نیستند. مردم در میدان و در صحنه حاضرند؛ آماده ای کارند. باید میدان را برای مردم آماده کرد، باز کرد، آن وقت می بینید که مردم هر جایی که احساس کنند وظیفه ای وجود دارد، با چه انگیزه ای، با چه اهمتامی، با چه عزم راسخی وارد میشوند؛ همچنان که امروز هم وارد شده اند. از خداوند متعال مسئلت میکنیم فضل و رحمت و خیر و برکت خود را بر شما مردم عزیز شهرستان شیروان نازل کند و ان شاء الله جوانهای عزیز شما را مشمول الطاف الهی و توفیقات الهی و عاقبت به خیری قرار دهد و ان شاء الله هر روز شما از روز قبل بهتر و شادتر و همراه با موفقیت بیشتر باشد و خداوند روح مطهر شهیدان و روح امام شهیدان را با اولیائش محشور کند. من از اجتماع عزیز و پرشور شما، از ابراز محبت شما، صمیمانه تشکر میکنم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) فتح: 26

(2) آل عمران: 54